

پاداشتهای مسافر هند

۷۰ مسعودی

پاسر فرین عجائب یایک قاره عظیم دنیا آشنا شوید

-۲۹-

در پنجاه و هشتاه کنگره ملی هندوستان چه گذشت؟

حال باید بروم یکاخ سلطنتی نظام و ملاقات او که یکی از هنرها م در این مسافت بود. باشی است و راهنمای توجه باطریف طبع رسایده آن خن همان کسی که لیاس فاضل و دانشمند می باشد و چند جلد کتاب نوشته که منوز بیان فارسی مخصوصی نهانی او است مخطوط کردید و نسخه نودیم او دیگر تشریفات است تاقی که پیر مرد چلو پیشان از پیش شوی بیسط زبان و ادبیات فارسی ولاقل جلو کیری از سقوط این مرکت نکردند مانند استم که اهیش بیش زبان فراموش. اهلی عرضت نظام همچنان که جلو که آن پیر مرد نیمه سری که در اینکش فیله اش در اجرک که است خود اعلیحضرت که آن پیر مرد نیمه سری که در اینکش پیش از شدن و مخالف میگردید راحت چلوس نود و مادر ادر طرقین خود شاید و هنوز هم بعضی از رفاقت غیری کردند اینجا طلاق انتظار سلطان است و اراد تالاری ند و روی صندلی بر شوره اول وضع ملاقات و مذاکرات ایجاد کرده اند و مادر ادر طرقین خود نظام شوب انجام نگرفت و همین ولی وقتی دیدیم آن و نظر که در لباس مزاد آن کون ساخت و دیدیگر تو استم او بیرون هستند مقابله ایستاده اند و تا از هنری اینجا طلاق انتظار سلطان است و دیدرو ایجاد اش در این کنود سلطنت اینکه کردیم که اهلی عرضت داشته اند آنطور که شایسته است عدم رهایت احترامات لازم یک شخص پیشید و کلنه مخصوص ناکنونی هم بر مراحت خلیل ازدان قیمت بود، این پیر مرد چلو ایساده بود و پیش نیز سراوه هم یکنفر لباس او بیرون نمود و در اداری پایران پیشید و کلنه مخصوص ناکنونی هم بر مراحت اشت، آنطرف تر هم یکنفر دیگر پیشید در لباس او بیرون ایستاده بود. ماوتنی پیاده شدم ایدا یان بیه



اهلی عرضت نظام خود در آباد بعلات (X) در میان روزنامه نگاران چلو کاخ شخصی او، شخصی که سوت و است هنک باعضاً دیده شد و وزیر سابق جنک و منشی مخصوصی فملی نظام است که لباس رسمی بر تن دارد.

پیار ازی او بود و من اعلمین دارم که این درد والثباب بایک مسافت گوتاه بکنار دریا رفم خواهد شد و لی تو باش مرا ندادی: خیال میکنی که بند کان ضریب بتوانند خدایان تو انا و اچم بزنند؟

تیولیوس ناچار سلسیم فرود آوردند

- البته، خدایان بالای از آنند که بند کان آنها را تحقیق ارادهندند

- در این صورت چرای استان قیصر اهانت میکنی و مقام الوهی او را باین آوری مختار علوم بهم نگردید و خواهی خواهی در برابر چشمان کنگاره فرون متصدی فرود آورندند و

مارسوس که درصف مقدم سلسوران و در کاری طریق و نیوس ایستاده بود، ذیر لب کفت:

- آفرین پیترو نیوس باز هم حریف کردنکش رخوب متکوب کردی

تیولیوس مغلوب و شکست دیده سر برآنهاست و مخفی نکنند. از دیر باین آنها ناگه شصوت و عناد شلهور بود.

پا آنکه او فرماده کل قراولان شهر بوده و در رم عوم مردم از هر طبقه و مقام اذایشند می ترسید نهمین ایطرب و نیوس خایبار دستور نزون اورای ایوانات کنایه آیین خوار و خیره میگردند آنروز باهم یکنفر هم بزرگ شتر نک بروزمند بیرون آمد بود و لی میدانست که اگر دوزی دست نیو نیوس بیو برند دومن اورایاد خواهد داد

وقایع نزون پیش عالم عادی باز کشت و سخن از مرتهای آینده بیان آمد پیترو نیوس از اینص اجازه کرت و سخن اینچه راهی خود را بساز کوس که با کمال بیصری و ران از اراده شهادتی میگرد باز کوید

هیکنگ خواه راه خود را دید دست و برا پیکری شرد و کفت،

- مارکوس و اخا امروز برا ای من روز بیرونی بزدگی بود، « تنا خودم و بیو با واحمال اتو و خواهاد پیلو تویوس را از خطر مرک رهانید بلکه تیولیوس رانیز مقابل چشم ریش بروقی و مده سانوارها و شخصیت های روم مغلوب و منکوب کردم »

پیور صورت قرار باین شده است که نزون به آتبیوم و از آنها به « بای » و شاید « نایل » بروند. تویهانی که قیصر آذربیزی فراوان داشت که دو صورت ناتر ظاهر شود و این اسر در شهر و روم چندان اسکان پیده بوده اینک مضم است که این آذربیزی خود را در نابل که دارای تماشاخانه پیاسار بزیر کشت بمنه عمل در آورد

غیبت ویش بر ازی بیترین فرستی است برا ای توکه لیو بارا بیدا کنی و در نقطه امنی او ای هری خود نگاهداری، راستی از حکیم غیب کو چه خبر این فیلسوف آواره دیگر

با ایشند!

مارکوس که اشینن نا احسان خشم میگرد کفت

- این داشتند تو آدم در رکوی کلاشی بیش بیو اد؛ اطیان داشت که دیگر اور انخواهیدند

- داشت است، منهم از روز اول چندان اعتادی باوند داشت و لی حرفا های احفاده اور ای من غلیل جا ببرد. یکن تو، من مطمئن هست که او مجدداً باز خواهد کشت ذیر اداین معامله

- پس همان بیتر که بیدایش شود برا ای ایشکه اکر چنگم افتاده دیگر خواهد توانست

چان سالم بدیرد.

- در ایکار شتاب شاسته نیست. برای ایشکه اکر بخطاط لمع شفی خودش هم

باشه بسته بیو خواهد رفت و اید هم اطلاعاتی از او بدست بیوارد که برای تو خیلی

هوشهای امپر اختر



بهمناسبت شروع فصل سینما سینما کریستال

(«نمايش دهنده بهترین فیلمهای سال
وعلی ترین آثار هنری»)

از امشب

با کمال خوشوقی ترقی صنعت
فیلم برداری در ایران را بعرض
قضاؤت افکار عمومی میگذارد

محکوم بیگناه

یک شاهکار فراموش نشدنی

باشتراک

محزون - سودابه - ملکه رنجبر

او لین اثر محصول استودیو فیلمبرداری شهرزاد

فیلمی که بطون تحقیق نسبت بکلیه فیلمهای فارسی که تا کنون در ایران نمايش داده شده برقی دارد ویرای معرفی آن

همینقدر کافی است که همسه سینما کریستال حاضر باش آن شده و دیدن آن را بکلیه هلا قمندان سینما توصیه بشاید

(شک تبلیغاتی بوین)

-۱-

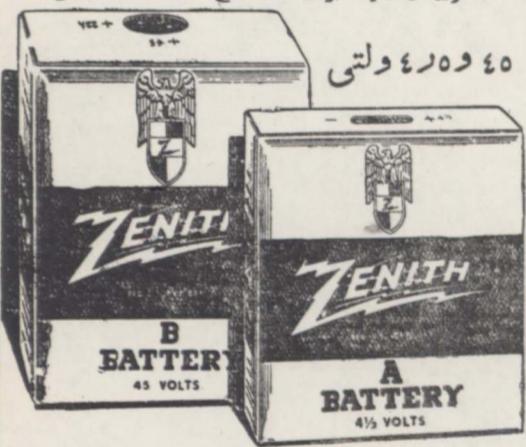
۸۱۴۴-۱

نها نیزه اند انصاری کار خانه جات رورونو در ایران شرکت سهامی ایران شرق

کانون آگهی ذیبا

۸۱۳۲-۵

باطریهای زیست برای همه نوع رادیو های کیفی



ورساختن باطریهای زیست برای همه نوع رادیو های کیفی
لازم برای قدرت و درام زیاد آنها صرف جویی نشده است.
دستوران و شهرستانها از این پایه که رادیو زیست برای فرمایه
کانون آگهی ذیبا

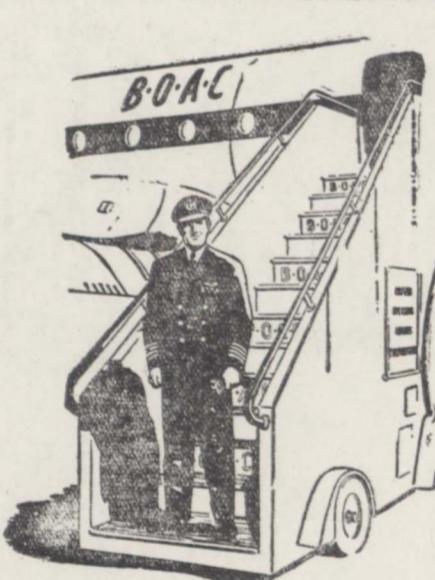
۸۱۳۱-

پیشکان محترم و مبتلایان بو اسید

NOHAESA

پیاد نهادا علاج قطعی بو اسید
تیاف نهادا محسول لاراتوار داروسازی همبورک آلمان وارد شد
۸۰۶۸۰

مادام سوثر علامه زبان فرانسه برای تدریس زبان فرانزی داشت
دانش آموزان ایجاد خانه هم روزه اساتید ایل بین بد از این
آمده میباشد
آدرس- شیان نادری گوچه شاهرخ دست راست کاشی ۳۳
۳-۱
۷۰۲۹۰



سر خلبان

مجرب، باطنمنان، مهربان

هو ریهای میجل چهار تووهه ای، او، سی، ۴، یکی از
تشدد غر خلبان که بعیی از آنها بیش از دو هیون کیلو متر بر وان
زارند سیزده میشوند

ی، او، سی، سی، ۵۱ کشور را در پنج فقط عالم بهم ای باشد میدهد

بی، او، سی، از شما خوب و مواجبت میگشتند



برای ای اطلاع و تهیه جا به شرکت های ایرانی
شماره ۵۱۲ و تلفن ۳۵۸۲۱، بر آر اس های میازم راجه، فرمایه

B.O.A.C : AGENTS GENERAUX POUR QANTAS, SAA & TEAL

۸۱۱۷-۷

کودکستان بهروش
از روشنیه ۴ شهریور ماه دایر و صحیح ها نام نویسی نماید.

شانی میدان کاخ ذیر نور کرج خیابان مهنا

۷۸۹۲-۴

صد هزار تومن - تو مانی سه ماهی
در مقابل مبلغ فوق العاده ارزنه لازم است تلفن ۲۰۲۰۲

۶-۲

